

فرودستان و فرادستان در جمهوری چه چیا (جمهوری چک)

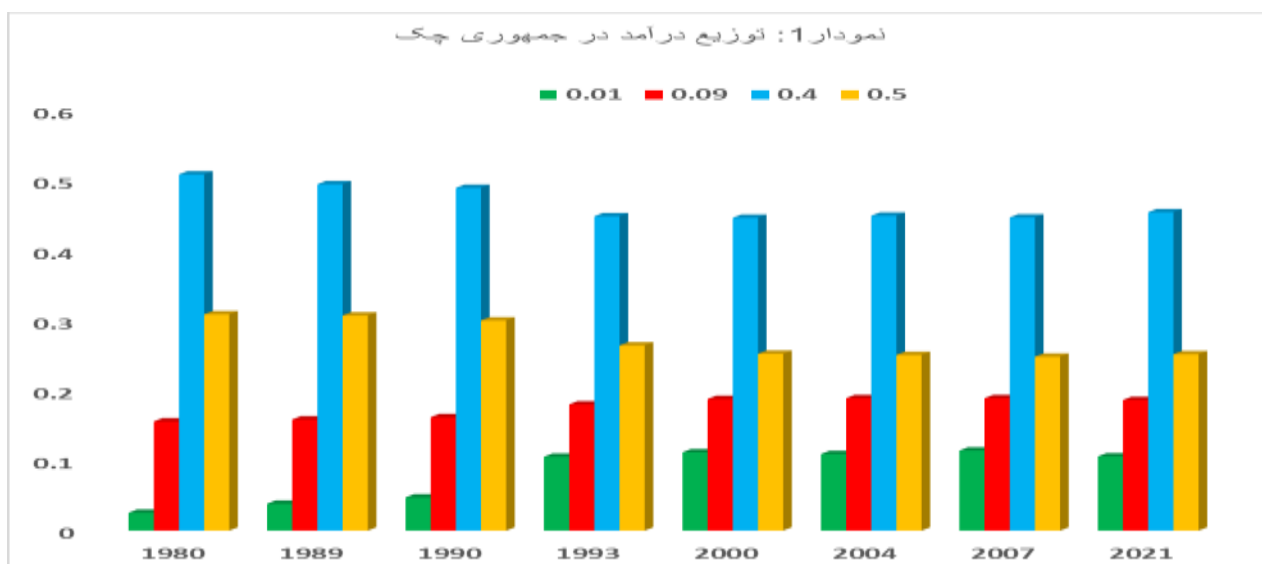
آن چه امروز به نام جمهوری چه چیا می شناسیم در گذشته ای نه چندان دور بخشی از جمهوری چکسلواکی بود که در سال ۱۹۹۲ دوشاخه شد، بخشی بر خود نام جمهوری چک گذاشت و آن بخش دیگر هم جمهوری اسلواکی شد. جمهوری چک در سال ۲۰۱۶ نام را به چه چیا تغییر داد. همانند دیگر کشورهای اروپای شرقی چکسلواکی شرنوشت مشابهی داشت از سال ۱۹۴۸ به صورت کشوری در بلوک شوروی درآمد و اگرچه در سال ۱۹۶۸ برای دوره کوتاهی شاهد یک نهضت رفرم طلبانه در آن بودم ولی مداخله نظامی شوروی در اگوست ۱۹۶۸ به این برنامه اصلاحی پایان داد. از جمله پی آمدهای مداخله نظامی شوروی در چکسلواکی تشکیل گروه منشور ۷۷ است که رهبر نمایشنانه نویس اش وسلو هاوول از زندان به کاخ ریاست جمهوری رفت و پس از سقوط دیواربرلین در ۱۹۸۹ رژیم پیشین در چکسلواکی هم فروپاشید.

با فروپاشی سرمایه داری دولتی که آن را « سوسیالیسم واقعا موجود» می گفتند، اصلاحات بازاربنیان شروع شد. به اختصار آن چه انجام گرفت به این قرار بود، کنترل زدائی از قیمت ها، گشودن بازار به تجارت خارجی و سرمایه گذاری بین المللی و همین طور خصوصی سازی واحدهای دولتی. در همان موقع هم بین این دویبخش نابرابری اقتصادی وجود داشت یعنی آنچه که بعد جمهوری چک شد درمقایسه با جمهوری اسلواکی منابع و امکانات به مراتب بیشتری داشت. به همین دلیل پس از فروپاشی سرمایه داری دولتی میزان بیکاری در جمهوری چک به مراتب از میزان بیکاری در بخش اسلواکی کمتر بود. خصوصی سازی با بهره گیری از صدور کوپن صورت گرفت که به شهروندان امکان می داد تا در این واحدها سهام خریداری نمایند. مدت زمان زیادی طول نکشید که مشکلات نظام اقتصادی تازه سربرآوردند. احیای بخش صنعتی قدیمی جمهوری سابق به خوبی انجام نگرفت و دربخش مالی مقررات شفاف تدوین نشد و مدیریت ضعیف و فسادمالی باعث شد که در بخش بانکداری ۸ بانک در ۱۹۹۶ ورشکست شدند از طرف دیگر، بسیاری از شهروندان که کوپن های خصوصی سازی شان را به شرکت های سرمایه گذاری داده بودند که بازده بالائی داشته باشد درواقع کل ارزش اولیه کوپن ها را نیز از دست دادند. در ۱۹۹۷ دولت وقت وجود بحران اقتصادی را اعلام کرد و برنامه ریاضت اقتصادی را در پیش گرفت. از جمله سیاست های تازه ای که در پیش گرفته شد سیال کردن ارزش کرونا- واحد پول چکسلواکی بود که به کاهش ارزش فوق العاده آن منجرشد. درسالهای پایانی ۱۹۹۰ رکود اقتصادی خود را به این صورت نشان داد که میزان تولید ناخالص داخلی روند کاهنده پیدا کرد و سرازرونده کاهنده در میزان مزدواقعی درآورد و بعلاوه بدهی خارجی کشور افزایش یافت و میزان بیکاری هم در اقتصاد بیشتر شد. درسالهای

اولیه قرن کنونی ولی اوضاع اقتصادی در جمهوری چک متعادل شد و رشد اقتصادی هم شروع شد.

تغییر عمده و اساسی دیگر در ۱۹۹۳ اتفاق افتاد که وحدت با بخش اسلواکی فروپاشید چکسلواکی سابق به صورت دو کشور مجزا، جمهوری چک و جمهوری اسلواکی درآمد. جمهوری چک در ۱۹۹۹ به سازمان ناتو پیوست و در سال ۲۰۰۴ هم به عضویت اتحادیه اروپا درآمد. اگرچه مدتی بعد به گروه شنگن هم پیوست ولی تاکنون عضو واحد پولی اتحادیه اروپا- یورو- نشده و کرونا واحد پولی پیشین خود را حفظ کرده است. در این یادداشت می‌خواهم وضعیت توزیع درآمد را در این کشور به نسبت کوچک اروپای شرقی بررسی کنم. همانند دیگر یادداشت‌هایی که درباره این موضوع در کشورهای دیگر تهیه و منتشر کرده‌ام از آمارهای بانک جهانی و بانک آماری نابرابری جهانی استفاده کرده‌ام. آن چه درباره این یادداشت جالب است این که اتفاقات متعددی در این ۴۰ سال گذشته باعث شد که با وضعیت کاملاً متفاوتی روبرو باشیم.

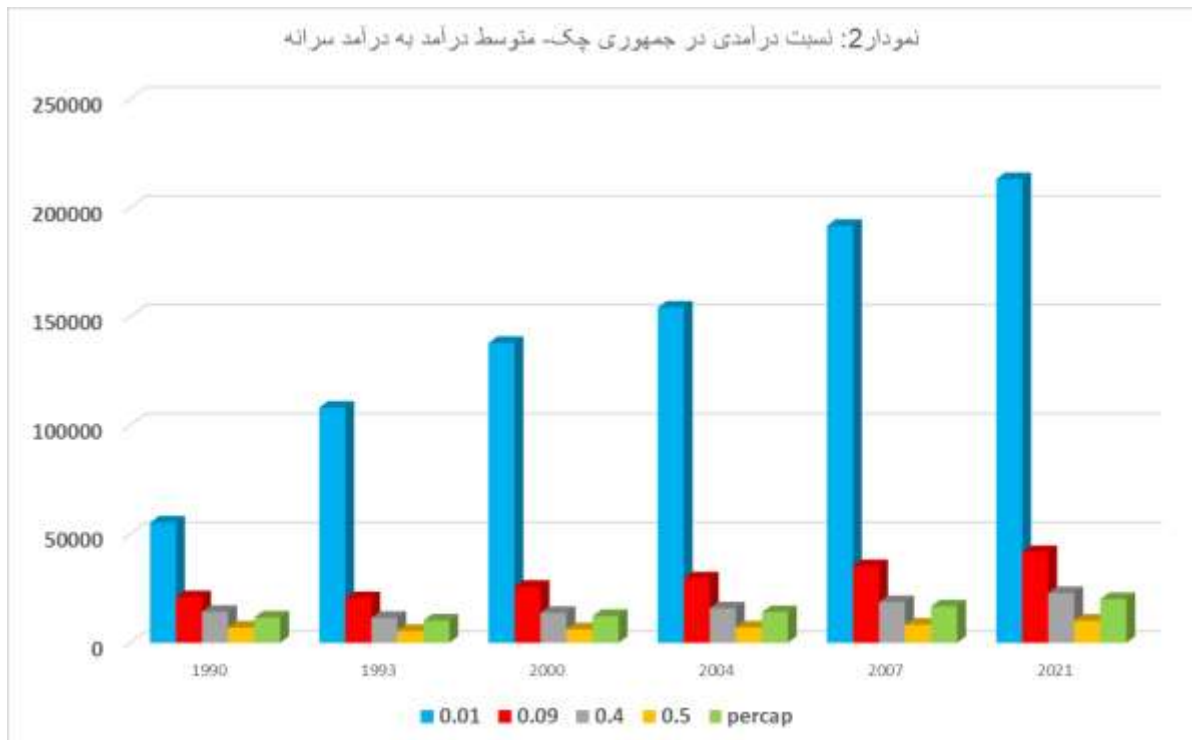
- اولین و مهم‌ترین تحولی که باید اشاره کنم فروپاشی سرمایه داری دولتی در این کشور است. در پی آمد فروپاشی نظام اقتصادی پیشین، همان‌طور که پیشتر هم اشاره کردم اصلاحات بازارینیان به گسترده‌ترین حالت در پیش گرفته شد.
- در ۱۹۹۳ یعنی تنها ۴ سال پس از فروپاشی نظام اقتصادی پیشین وحدت سیاسی جمهوری چکسلواکی هم دستخوش دگرگونی شد و این جمهوری به صورت جمهوری چک و جمهوری اسلواکی درآمد. من در این یادداشت در باره جمهوری چک سخن خواهم گفت.
- در ۲۰۰۴ به اتحادیه اروپا پیوست و مدتی بعد هم عضو گروه شنگن در این اتحادیه شد. به عنوان نکته بینیم برسر توزیع درآمد در این جمهوری چه آمده است؟



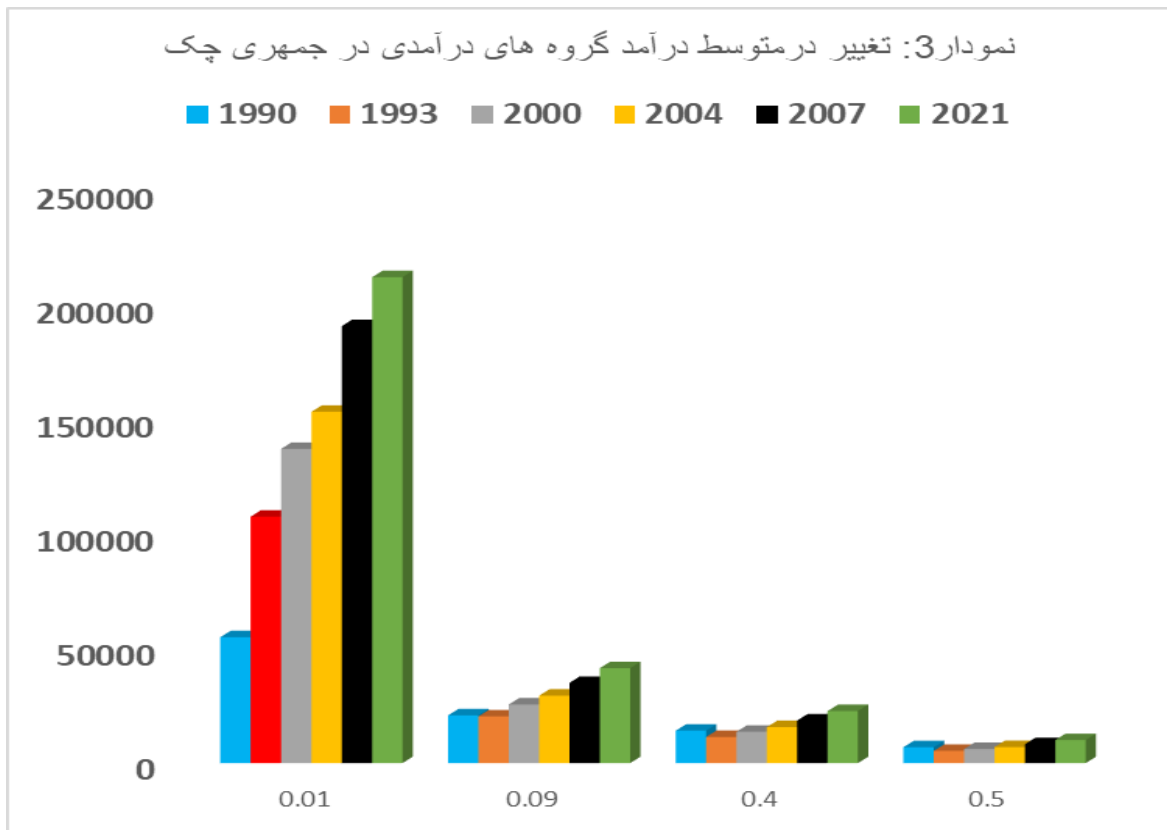
آن چه در این نمودار آشکار است این که چه در دهه سالی که هنوز سرمایه داری دولتی بر سر کار بود و چه از زمان فروپاشی آن و جایگزینی اش با اقتصاد بازار بنیان، سهم بری ۱ درصدی ها و ۹ درصدی ها از درآمد روند افزایشی داشته است در حالی که سهم بری ۹۰ درصد جمعیت روند کاهنده نشان می دهد. به عنوان مثال سهم ۱ درصدی ها از درآمد ملی که در ابتدای امر کمتر از ۳٪ بود در سال ۲۰۲۱ به حدودا ۱۱٪ رسید و به همین نحو سهم ۹ درصدی ها هم از کمتر از ۱۶ درصد درآمد ملی در ۱۹۸۰ به ۱۹٪ در سال ۲۰۲۱ افزایش یافت. از سوی دیگر، سهم بری ۴۰ درصدی های میانه و همین طور ۵۰ درصدی های فقیر در این ۴۰ سال هر کدام حدودا با ۶٪ کاهش روبرو شدند، یعنی سهم ۵۰ درصدی های فقیر که در ۱۹۸۰ حدودا ۲۱٪ از درآمد ملی بود در ۲۰۲۱ به ۲۵٪ رسید.

نظریه این که برای سالهایی که هنوز سرمایه داری دولتی پا برجا بود درباره تولید ناخالص داخلی آمار نداریم، دنباله روایت را از سال ۱۹۹۰ می گیریم که در واقع شروع این اقتصاد بازار بنیان در جمهوری چک است. برای این دوره های محدودتر، ما ارزش بیشتر ناشی از رشد اقتصادی را هم برآورد کرده ایم و با توجه به توزیع درصدی درآمدها مشخص کرده ایم که گروه های مختلف به چه میزان از این منابع اضافی بهره مند شده اند. عجیب ترین تحولات در جمهوری چک اتفاق افتاد. همان طور که پیشتر اشاره کردم، در این دوره شاهد رشد منفی اقتصاد کشور هستیم و می دانیم که اندازه اقتصاد جمهوری چک حدودا ۱۴/۵ میلیارد دلار کوچکتر شد. انتظار این است که این کش رفتن اقتصاد بین این گروه ها هم سرشکن شود ولی در جمهوری چک این گونه نشد. اگرچه اندازه اقتصاد ملی ۱۴/۵ میلیارد دلار کش رفته بود ولی سهم ۱ درصدی های حدودا ۵/۵ میلیارد دلار بیشتر شد. نکته این است وقتی از رشد منفی اقتصاد سخن می گوئیم روشن است که افزایش سهم بری از این نوع در واقع بیانگر انتقال ارزش از یک گروه در این جامعه به یک گروه دیگر است. در ۱۹۹۳ در مقایسه با ۱۹۹۰ سهم بری ۹۰ درصد جمعیت حدودا ۲۰ میلیارد دلار کمتر شد.

سهم بری نابرابر از منافع ناشی از رشد اقتصادی باعث می شود که نسبت درآمدی هم در اقتصاد دستخوش تغییر شود. در این ۳۰ سال یعنی از ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۱ اقتصاد جمهوری چک حدودا ۲ برابر شده است و چون جمعیت کشور دوبرابر نشده، واضح است که میزان درآمد سرانه هم روند افزایشی دارد. ولی به خاطر توزیع نابرابرتر در آمد، مشاهده می کنیم که یک درصدی ها که متوسط درآمدها کمتر از ۵ برابر درآمد سرانه بود در سال ۲۰۲۱ حدودا ۱۱ برابر شد و به همین نحو متوسط درآمد ۹ درصدی ها از اندکی کمتر از دو برابر درآمد سرانه در ۱۹۹۰ به اندکی بیشتر از ۲ برابر در ۲۰۲۱ افزایش یافت. متوسط درآمد ۴۰ درصدی های میانه در حول و حوس درآمد سرانه متغیر بود و متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر در همه این سالها حدودا نصف درآمد سرانه بود. این وضعیت را در نمودار ۲ به دست می دهیم.



در این سی ساله که در این یادداشت مد نظر ماست شاهد رشد اقتصادی بوده ایم و طبیعی است که شاهد رشد درآمد متوسط گروه های مختلف درآمدی هم باشیم. ولی نکته ای که قابل توجه است سرعت و میزان افزایش متوسط درآمد در میان این گروه هاست. حتی در ابتدای دوره، یعنی ۱۹۹۰ متوسط درآمد یک درصدی ها از متوسط درآمد دیگر گروه های به مراتب بیشتر بوده است ولی آن چه موجب می شد تا شکاف درآمدی در جمهوری چک بیشتر شود این که متوسط درآمدها با سرعت و مقیاس متفاوتی رشد پیدامی کنند. افزایش متوسط درآمد یک درصدی ها به مراتب از میزان افزایش در دیگر گروه ها بیشتر است و همان گونه که خواهیم دید شاهدیم که در این سالها شکاف درآمدی هم به مراتب بیشتر شده است. در نمودار ۳ چگونگی تغییر در متوسط درآمدها را به دست می دهیم و بعد در نمودار ۴ به سراغ شکاف درآمدی خواهیم رفت.

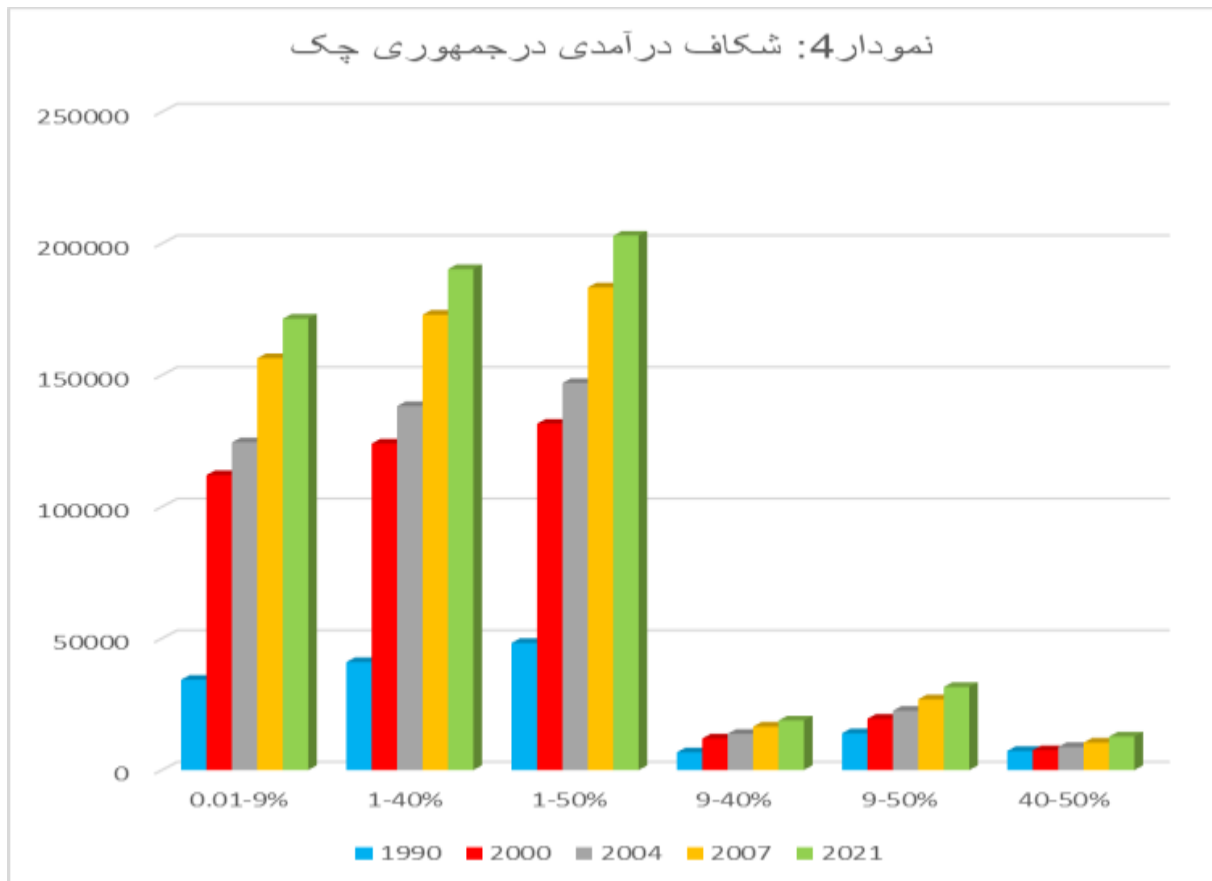


داده های آماری ما نشان می دهد که متوسط درآمد یک درصدی ها در این ۳۰ سال حدوداً ۴ برابر شد یعنی از اندکی بیشتر از ۵۵۰۰۰ دلار در ۱۹۹۰ به بیش از ۲۱۳۰۰۰ دلار در ۲۰۲۱ رسید ولی میزان افزایش در متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر در طول این دوره تنها ۴۵٪ بود. جالب این که میزان افزایش در متوسط ۴۰ درصدی های میانه حدوداً ۶۰٪ و متوسط درآمد ۹ درصدی ها هم دو برابر شد.

و اما سرانجام برسیم به بررسی شکاف درآمدی. در این جا هم همانند دیگر اقتصادهای سرمایه داری، اگرچه مشکل یک درصدی ها را داریم که سهم به مراتب بسیار بیشتری از درآمدهای کشور را تصاحب می کنند بلکه مشکل اصلی تر این است که نابرابری درآمدی در میان همه گروه ها در حال افزایش است. مشاهدات ما نشان می دهد که نه فقط شکاف درآمدی بین متوسط یک درصدی ها و دیگران به مراتب بیشتر شده بلکه در کل ۶ شکاف درآمدی در جامعه افزایش یافته است. و نکته این که این ۶ شکاف درآمدی کل جامعه و اقتصاد جمهوری چک را در برمی گیرد.

- شکاف درآمدی بین متوسط درآمد یک درصدی ها و ۹ درصد بعدی.
- شکاف درآمدی بین متوسط درآمد یک درصدی ها و ۴۰ درصدی های میانه
- شکاف درآمدی بین متوسط درآمد یک درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیر
- شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۹ درصدی ها و ۴۰ درصدی های میانه
- شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۹ درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیر

- شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۴۰ درصدی های میانه و ۵۰ درصدی های فقیر



دو نکته درباره اطلاعات آمده در این نمودار قابل توجه است که باید مورد توجه سیاست پردازان اقتصادی در این کشور قرار بگیرد.

۱- اگرچه پرداختن به مشکل ویژه یک درصدی ها مهم است ولی این در واقع همه مشکل هائی که سیاست های پردازی های نئولیبرالی ایجاد می کنند نیست. چون همان طور که مشاهده می کنیم این مشکل درآمدی در میان همه گروه های وجود دارد. یعنی حتی در میان ۹۰ درصد جمعیت هم شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۴۰ درصدی های میانه که در ۱۹۹۰ اندکی بیشتر از ۷۲۰۰ دلار بود در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۱۲۷۰۰ دلار افزایش یافت. شکاف درآمدی بین متوسط درآمد یک درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیر که به مراتب بیشتر بود افزایش بیشتری هم یافت. در سال ۱۹۹۰ این شکاف اندکی بیشتر از ۴۸۰۰۰ دلار بود ولی در سال ۲۰۲۱ میزانش به ۲۰۳۰۰۰ دلار رسید. به نظر می رسد که رفم های اولیه اقتصادی یعنی در سالهای اول پس از فروپاشی در قبضه کردن منابع اقتصادی به نفع یک درصدی ها نقش تعیین کننده ای داشته است چون مشاهده می کنیم که متوسط درآمد یک درصدی ها که در سال ۱۹۹۰ اندکی بیشتر از ۵۵۰۰۰ دلار بود در ۱۹۹۳ به بیش از ۱۰۸۰۰۰ دلار رسید. جالب این که متوسط درآمد دیگر گروه ها

در این سه سال کاهش یافته بود و برای ۹ درصدی ها از ۲۱۰۰۰ دلار به ۲۰۵۰۰ دلار و ۴۰ درصدی های میانه از ۱۴۲۰۰ دلار به ۱۱۵۰۰ دلار و ۵۰ درصدی های فقیر از حدودا ۷۰۰۰ دلار به اندکی بیشتر از ۵۴۰۰ دلار تحول یافت.

۲- نکته دوم این که گذشته از وجود شکاف درآمدی در بین همه گروه های درآمدی در همه این موارد هم در این ۳۰ سال شاهد روند افزایشی هستیم یعنی در میان همه گروه ها این شکاف به شدت افزایش یافته است